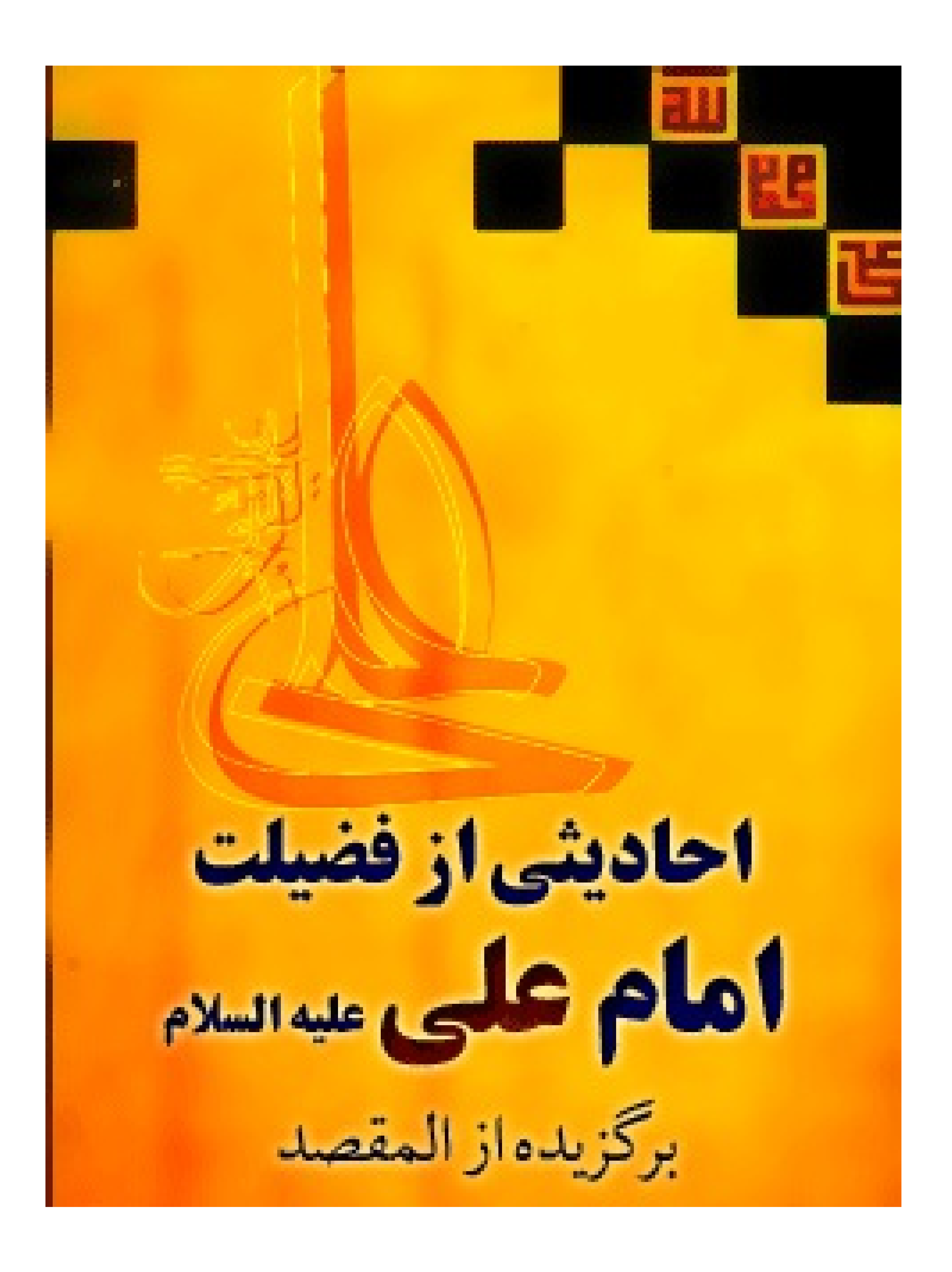


احادیثی از فضیلت
امام علی علیه السلام
برگزیده از المقصد


بسم الله الرحمن الرحیم

احادیثی از فضیلت امام علی (علیه السلام) برگزیده "المقصد"

نویسنده:

کمال الدین حسین بن حسن کبراوی ذهبی خوارزمی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احادیثی از فضیلت امام علی علیه السلام، برگزیده از المقصد

مشخصات کتاب

نویسنده: کمال الدین حسین بن حسن کبراوی ذهبی خوارزمی

ناشر : کمال الدین حسین بن حسن کبراوی ذهبی خوارزمی

تخلص: حسین

تولد و وفات: (... ۸۴۰) قمری

محل تولد: مشخص نیست.

شهرت علمی و فرهنگی: نویسنده و شاعر

زبان اصلی:فارسی

مقدمه

حبّت و ارادت به اهل بیت(ع) اختصاص به شیعیان ندارد و در میان اهل سنّت در کنار افراد قلیلی که خلافت امام علی(ع) را از اساس مشروع نمی دانستند کسانی اصرار داشتند احادیث فضایل امام علی(ع) و سایر اهل بیت(ع) را منتشر سازند. چنین کسانی در کتب رجالی متقدم اهل سنّت با عبارت «فیه تشیع» توصیف شده اند و به دلیل نقل روایات فضایل اهل بیت(ع) مورد انتقاد قرا گرفته اند. تعداد کتب و رسا یلی که غیر شیعه در فضایل امامان معصوم(ع) نگاشته اند، بسیار است. مرحوم علامه سیّد عبدالعزیز طباطبائی در کتاب«اهل البیت فی المکتبه العربیه» بیش از هشتصد کتاب و رساله از این نوع را که فقط به زبان عربی نگارش یافته، معرّفی نموده اند و در مقدمه کتاب آورده اند: فهرست ما شامل کتابهای عربی است و ذکری از کتب فارسی و اردو و ترکی و سایر لغات به میان نیاوردیم و نیز از ذکر دیوانهای اشعار وقصایدی که در مدح و منقبت معصومان(ع) سروده شده خودداری نمودیم چرا که ذکر آنها به چند جلد فهرست بالغ می شود، و این همه در حالی است که در طول قرون گذشته به جهت حاکمیت حاکمان ظالم، همواره دوستداران اهل بیت(ع) در بلا و محنت بوده اند و در نشر فضایل و مناقب آن بزرگواران با محدودیت های فراوانی مواجه بوده اند و لکن آنچه برای خدا

باشـد نتیجه می دهد:«یریدون لیطفئوا نورالله بأفواههم والله متمّ نوره». آری احادیث اهل بیت(ع) و فضایل آن بزرگواران منتشـر گشت؛ به قول احمدبن حنبل که درباره امیرالمؤمنین علی(ع) گفت:«کتم أصـحابه فضـله خوفاً و کتمه أعداؤه حسداً، حتی شاع من بین ذا وذاک مـا طبّق الخافقین».(۱) درمیان عارفان و صوفیان اهل سـنّت، عشق به اهل بیت(ع) جلوه خاصـی دارد. اندیشـه ولایت در عقاید شـیعه، مهمترین عامل جذب اهل دل به احادیث و شخصـیت امامان شـیعی است. اوج حضور عقاید شـیعی در عقایـد عارفـان و صوفیان در محیی الـدین بن عربی است. کتابی با عنوان«المناقب» منسوب به اوست که برای هر امامی وصـفی شیرین آورده است. خواجه محمّد پارسـا، صـاحب شـرح بر «فصوص الحکم» نیز در کتـاب«فصـل الخطاب» شـرح حال دوازده امـام(ع) را بـه تفصـیل آورده اسـت. یکی از عالمـان اهـل سـنت کـه رویه ای چنین داشـته است، تـاج الـدین حسـین بن حسـن خوارزمی صـاحب کتـاب«المقصدالاقصـی فی ترجمه المستقصـی» است. وی که از عرفای بنام است و شـرحی متین بر«فصوص الحکم» نگاشته و اکثر نوشته هایش صبغه عرفانی دارد، در وادی محبّت به خاندان نبوّت و رسالت نیز گوی سبقت از دیگر هم کیشـان خویش ربوده است. آنچه در اینجا می آیـد منتخبی است از بخش پایانی باب بیست وپنجم«المقصدالاقصـی فی ترجمه المستقصـی» در ذکر احـادیث فضـیلت امـام علی(ع). اندرسـفانی(مؤلف المستقصـی) در پایـان شـرح حـال امـام علی(ع) تحت عنـوان«بعضـی از قضایـای امیرالمؤمنین علی کرّم الله وجهه » روایـاتی را در فضـیلت و منـاقب آن حضـرت ذکر نموده است؛ از جمله: حدیث منزلت، حدیث غدیر، حدیث طیر و احادیث دیگر. خوارزمی ضمن ترجمه آن احادیث، آنها را

به نظم کشیده و سپس حدود پنجاه بیت از اشعارش در مدح و منقبت مولی الموحدین(ع) را آورده است.(۲) پیش از ارائه این منتخب، به بیان احوال و آثار خوارزمی و نیز معرّفی اجمالی این اثر می پردازیم. تاج الـدین حسـین بن حسن خوارزمی کبروی شـاعر، عـارف و ادیب معروف قرون هشـتم و نهم هجری است. او به دلیـل علاـیقی که از طریـق عرفـان و تصوّف به ولاـیت و آرای شیعه اثنی عشری داشته، یا به دلیل امامی بودن، به وسیله حنفیان هرات تکفیر شد و شاهرخ میرزا(۸۰۷۸۵۰) او را محاکمه نموده، اما تبرئه شـد و به دیار خویش خوارزم بازگشت، امّا ازبکها او را در حـدود سال ۸۴۰هجری به شهادت رسانیدند. پیکر او در خوارزم در نزدیکی مرقد پیرش ابوالوفا(متوفی ۸۳۵) به خاک سپرده شد.

اهل البیت فی المکتبه العربیه، عبدالعزیز طباطبایی، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق، ص۱۰.

آقای رسول جعفریان در مقدمه وسـیله الخادم الی المخدوم بحث تاریخی جالبی را درباره زمینه های ظهور تسنن دوازده امامی ارائه کرده انـد و بـا نقـل شواهـد تـاریخی متعـدّد، توجه عالمـان سـنی را در قرون متمادی به نشـر مناقب و فضایل اهل بیت(ع) یادآوری کرده اند. نگاه کنید به: وسـیلهالخادم الی المخدوم، در شـرح صـلوات چهارده معصوم، فضل الله بن روز بهان خنجی اصفهانی، به کوشش: رسول جعفریان، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵.

تالیفات خوارزمی

خوارزمی آثار متعدّدی در عرفان، ادبیات و شعر، تاریخ و ریاضیات از خود به جای گذاشته است. آثار او غالباً به فارسی است. فهرست آثار او چنین است: ۱ جواهرالاسرار و زواهرالانوار(شرح سه دفتر نخست مثنوی است که در دو

جلد به چاپ رسیده است). ۲ کنوزالحقایق فی رموز الدقائق(شرح منظوم مثنوی است).(۱) ۳ نصیحت نامه شاهی. ۴ دیوان اشعار(بخشی از آن به نام دیوان منصور حلاج چاپ شده است و نسخه خطی دیوان در کتابخانه مجلس شورای اسلام و کتابخانه دانشگاه تهران موجود است).(۲) ۵ تحفه الابرار فی افضل الاذکار. ۶ شرح قصیده برده(گزارشی به لهجه ترکی خوارزمی است بر قصیده برده بوصیری).(۳) ۷ رساله ای در عرفان. ۸ اساس القواعد(در علم حساب). ۹ ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار(با مقدمه دکتر مهدی درخشان به چاپ رسیده است). ۱۰ المقصد الأقصی فی ترجمه المستقصی. ۱۱ شرح فصوص الحکم(با تصحیح و مقدمه نجیب مایل هروی به چاپ رسیده است).

فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، ج۲، صص ۱۴۶۱۵۰.

فه ست نسخه های خطی مجلس شورای اسلامی، ج۳۶،ص۲۸۹، نسخه شماره ۱۳۱۹۸؛ فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، ج۱۰، ص ۲۸۵۸؛ در فهرست نسخه های خطی فارسی به اهتمام منزوی (ج۳، ص۲۲۹۹) آمده است:«دیوان خوارزمی مسائل عرفانی و ستایش از امامان شیعی و غزلهایی با تخلص سمنصورز دارد. دیوانی از او در بمبئی چاپ شده که به حسین حلاج نسبت داده شده است»؛ نیز نگاه کنید به: الذریعه، ج۹، ص۲۵۱.

ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ص۷۷۴. از نسخه خطی«المستقصی» آگاهی یی در دست نیست.

المقصد الأقصی فی ترجمه المستقصی

موضوع کتاب، تاریخ پیامبر اکرم(ص)، خلفا و امامان معصوم(ع) است. این کتاب ترجمه«المستقصی» است که آن نیز شرح بر«المجتلی» است. «المجتلی» و «المستقصی» هر دو از تألیفات عبدالسلام بن محمدبن(ابی) الحسن علی الحجّی الفردوسی الاندر سفانی(اندرستانی) است که از دانشمندان و محدثان قرن ششم هجری بوده است که ظاهراً در جرجان(گرگان) سکنی داشته است. خوارزمی در مقدمه«المقصد الاقصی» می نویسد:

کتاب مستقصی که در شرح«مجتلی» است از تألیف شیخ امام و حبر همام ثقه الحفاظ رضی الحرمین ابوالکرم عبدالسلام بی محمدبن الحسن علی الحجی الفردوسی الاندرسفانی اسکنه الله فی فرادیس الجنان و تغمدّه بالرحمه والغفران در تحقیق و توضیح صفات و غزوات مصطفی و در تبیین و تشریح... خلفاء راشدین و ائمه هدی، آیتی است عظیم و عنایتی است قصوی... صاحب مستقصی در سبب تألیف کتاب آورده است که سید قراء اهل اسلام ابوالقاسم محمود بن احمد از من التماس شرح«مجتلی» کرد و التماس او مبذول داشتم. شیخ عبدالسلام در ابتدای«المستقصی» آورده است: جمع کردم در این کتاب به تأیید ملك وهاب، مسموعات خود را از اصول احادیث و قوانین آن و تفتیش نمودم مکتوبات و مجازات خویش را از نسخ اخبار و دواوین آن و ابتدا به ذکر مولد نبی ساختم و روایت صحیحین و موطأ را مقدم داشته، به سایر مسانید نیز پرداختم؛ بعد از آن ذکر فتوح خلفاء اربعه به تقدیم رسانیدم و اکمال مدّت خلافت به ذکر امیرالمؤمنین حسن رضی الله عنهم اجمعین کردم؛ چه مدّت خلافت او شش ماه تمام می گردد.... دیگر وصیت آنکه هر که به کتاب«مستقصی» اشتغال کند باید که کتاب«مجتلی» را مقدم دارد؛ از آنکه هرچه در این مشروح مذکور است در آن مختصر، برسبیل رمز و اشارت مرموز است، امّا همه آن مختصر در این مشروح مسطور نیست. اندرسفانی«المستقصی» را در بیست و پنج باب تنظیم نموده است که بیست و یك باب آن مخصوص سرگذشت پیامبر اکرم(ص) است و چهار باب دیگر آن به تاریخ خلفا تا امام حسن(ع) اختصاص

دارد. خوارزمی چنانکه در مقدمه ترجمه اش آورده است، شش مقصد و یک تتمه به باب بیست و پنجم کتاب افزوده و طی آن شرح حال بقیه امامان معصوم(ع) را نیز آورده است.

المقصد الاقصی در منابع کتاب شناسی

«مقصد الاقصی» در منابع مختلف کتاب شناسی معرّفی شده است، از جمله«کشف الظنون»، «الذریعه»، «فهرست منزوی»، «استوری» و... اما در بعضی از منابع اشتباه هایی رخ داده است. حاجی خلیفه این کتاب را با «مقصد الاقصی» نگاشته عزیز بن محمد نسفی، که رساله ای عرفانی است، درهم آمیخته است و در«کشف الظنون» آورده است: المقصد الاقصی فی التصوّف لعزیز بن محمد النسفی المتوفی سنه«۵۳۳» و ترجمته للمولی کمالی الدین حسین الخوارزمی... و قد شهد لتألیف الخوارزمی صاحب حبیب السیر بالفضل فی البلاغه... و ذکر ان له ترجمه مسماه بالمقصد الاقصی.(۱) در فهرستواره کتابهای فارسی ضمن معرفی«المستقصی فی شرح المجتلی» آمده است: این کتاب دو ترجمه دارد: یکی به نام«المقصد الاقصی» از کمال الدین حسین خوارزمی؛ دومین آن بی نام ویژه از ناشناسی است که از خود مطالبی در مناقب امامان تا حضرت رضا(علیه السلام) بر آن افزوده است... نسخه های این دو ترجمه درهم آمیخته و نیاز به بررسی دارد.(۲) این درحالی است که با مطالعه متن کتاب و مشاهده قراین موجود در آن، به نظر می رسد که ترجمه خوارزمی از کتاب«المستقصی» که به«مقصد الاقصی» نامبردار است، همان است که در پایانش مترجم شرح حال ائمه هدی(ع) را افزوده است. مترجم در ابتدای کتاب می گوید:«این کتاب شریف و نسخه لطیف راسمقصد الاقصی فی ترجمه المستقصیز نام نهادم» و به نام خود چنین تصریح کرده: «بنده ضعیف محتاج رحمت خداوند غنی

قوی، حسین بی الحسن خوارزمی الکبروی رزقه الله التحلی بالصفات اللاهوتیه و التخلی من السمات الناسوتیه ». نام خوارزمی«حسین» بوده و در اشعارش به نام خود تصریح می نماید، وی با دانشمندان خراسان ارتباط داشته و علاقه اش به اهل بیت(ع) خصوصاً امام رضا(ع) نه تنها از کتاب«مقصد الاقصی»، بلکه از دیگر تألیفاتش نیز هویداست. از علامه حسن زاده آملی که شرح «فصوص الحکم» خوارزمی را تصحیح نموده و در دست چاپ دارند نقل می کنم که فرمودند: قراینی در دست هست دالّ بر اینکه حسین خوارزمی شیعه است و به جهت نزدیکی افکارش با تشیع حداقل او را متشیع می دانیم. نسخ خطی«المقصد الاقصی» از«مقصد الأقصی» نسخه های کمی باقی مانده است. طبق تفحص ما نسخه خطی از این کتاب در کتابخانه های معروف ایران موجود نیست و نسخ محدود شناسایی شده، متعلق به کتابخانه های خارج از کشور است؛ از جمله نسخ ذیل: ۱ نسخه کتابخانه سلیم آغا که در سال ۸۹۴ ق کتابت شده است؛ ۲ نسخه آصفیه(۳) با تاریخ کتابت ۱۱۵۲ قمری؛ ۳ نسخه تفلیس که در قرن ۱۸ میلادی استنساخ شده است؛ ۴ نسخه متعلق به موزه بریتانیا که از قرن شانزده میلادی است و تملکی به تاریخ ۱۰۰۵ق در نسخه مشاهده می شود، این نسخه در ۴۰۰ برگ ۲۳ سطری به خط نستعلیق است.(۴) فیلم نسخه اخیر در بین میکرو فیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۲۸۰ موجود است و در فهرست میکرو فیلم ها معرّفی شده است.(۵) نوشتار حاضر با استفاده از عکسی که از فیلم مذکور تهیه شده، تنظیم و تصحیح شده

است.

کشف الظنون، ج۵۲، ص۱۸۰۵ و ۱۸۰۶.

فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، ج۳، ص۱۵۹۳.

فهرست آصفیه، ج۱، ص۴۸۲.

ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری(ص۷۷۵)، شش نسخه خطی از«مقصد الأقصی» را شناسانیده است. همچنین نگاه کنید به: فهرست نسخه های خطی فارسی، منزوی، ج ۶، ص۴۴۳۷.

فهرست میکرو فیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱، ص۲۰۳.

ذکر احادیث در فضیلت امام علی علیه السلام

احادیث و آیات و نقل و روایات در باب فضایل ذات و مکارم صفات آن جان جهانِ صفا و جهان جان اصفیا رباعیه: آن شادی جان آفرینش وان گوهر کان آفرینش آن محرم خلوتی که آنجا محوست نشان آفرینش اعنی اسدالله الغالب علی بن ابی طالب کرّم الله وجهه از غایت کثرت در حدّ حصر نمی آید. بیان فضایل آن ذات شریف و ذکر شمایل آن عنصر لطیف که آفتاب دریای کبریا و گوهر لافتی و ابن عمّ مصطفی و مخصوص به فضل«هل اتی» است در وهم و خیال ما نمی گنجد و دست عقل به میزان تصوّرش نمی سنجد. بیت: صفات او به دل ما فرو نیاید از آنک عروس، سخت شگرفست وحجله، نازیبا یکی از آن احادیث که در همه صحاح مسطورست، حدیث راست است در روز خیبر چنانک در قصه خیبر به تقدیم رسید و یکی دیگر حدیث: انت منّی بمنزله هارون من موسی إلاّ أنّه لا نبیّ بعدی است که روات این حدیث از ائمه ثقات و صحابه عالی درجات کثرتی تمام دارد. آری بیت: امام و مقدای اولیا اوست به حضرت سالکان را رهنما اوست که هارون است از موسی عمران علی را از پیمبر همچنان دادن و دیگر، حدیث: انا مدینه العلم و علیه بابها در

باب فضیلت او به غایت شهرت رسیده است. بیت: وجود اوست شهر علم را در ازو شد علم در عالم مشتهر ضمیرش گرچه خورشید مُنیرست اگر چه دست امر او مطیرست ضمیرش را مگو کین آفتاب است کف او را مبر ظن کین سحابست ضمیرش آفتاب عالم جان کف رادش سحاب گوهر افشان و در «صحیح مسلم» و غیر او از کتب صحاح مذکور است که: قال علی: عهد الیّ النبی صلّ اللّه علیه و سّلم انّه لایحبّک إلاّمؤمن و لایغبضک إلاّمنافق. لاجرم زهی سعادت مؤمنی که دلش سراپرده محبّت اوست و خوشا بنده ای که جانش آرزومند بندگی و خدمت اوست. آری، نظم: از بندگی اوست بزرگی و محترم نزد خواجگی و منصب افروزی و خدم محتاج خاک پایِ گدایانِ درگهش شاهانِ باشکوه و امیران محتشم برخاک آستان جلالش برابر است قدر فقیر بی کس و سلطان با حشم هر دل که از محبّت او روشنی نیافت مانند چاه مظلم مملوست از ظلم اما حدیث غدیرخم که: مَن کُنتُ مولاه فَعَلیّ مولاه اللهُمّ وال مَن والاه وَعاد من عاداه وَ انصُرمن نَصَره وَ اخذُل من خَذَلَه، مقدار پنجاه کس از صاحبه کبار در نقل آن اتفاق دارند. از زید بن ارقم منقول است به روایت ائمه کرام و اجله عظام که گفت: روزی امیرالمؤمنین علی کرّم الله وجهه با اصحاب فرمود که به خدای سوگند می دهم که در این مجلس کیست که از حضرت رسالت شنیده است که: من کنت مولاه فعلی مولاه، الحدیث؟جمعی از اصحاب برخواستند که در میان، دوازده کس بودند همه فضیلت حرب بدر دریافته و

راوی که زید بن ارقم است می گوید: من نیز این حدیث از رسول شنیده بودم و در آن حالت برنخواستم و کتم شهادت کردم، لاجرم نابینا شدم. امّا حدیث طیر را که ذکر او در ابواب گذشته گذشت ابن مردویه در کتاب «فضایل» از صدوبیست مرد معتبر روایت می کند و این حدیث، حاکم حشمی تصحیح کرده است و امام ابوالعلا می گوید: قول حاکم در حدیث مقبول است و قاضی القضاه عبدالجباربن احمد می گوید که: اگر حدیث طیر صحیح باشد هیچ شبهه ای نمی ماند که علی افضل جمیع صحابه است، بعد از آن قاضی در آخر عمر خویش پیش جمعی گفت که: حدیث طیر پیش من صحّت یافت؛ از من روایت کنید. عیسی بن عبدالله از پدر خویش نقل می کند که گفت: مردی به ابن عباس فرمود که: سبحان الله! چه بسیار است مناقب علی بن ابی طالب، من گمان می برم که سه هزار منقبت داشته باشد؛ ابن عباس گفت: من شبهه ندارم که قریب به سی هزار هست. آری، نظم: در مدحت او هزار طورست زانجا که بیان مارسیده از قصر صفای ذات پاکش یک صفّه با صفا رسیده از مملکت ولایت اوست یک بقعه به اولیا رسیده در «فضایل»، ابن مردویه(۱) به روایت علی کرّم اللّه وجهه آورده است که: مردی پیش رسول(ص) آمد و گفت: سزاوارترین خلایق کیست تا اطاعت او کنم؟ رسول(ص) گفت: منم. پرسید که: بعد از تو کیست؟ گفت: این مرد و به امیرالمؤمنین اشارت کرد. باز سؤال کرد که بعد از او کیست؟ فرمود که: مادر

و پدر تو. ذکر بعضـی از مقامات علیّه و شـرح بندی از کمالات سنیّه و توضیح آثار ولایت و تشریح انوار درایت و بیان فضایل معنویه حضرت مرتضویه را در شرح مثنویات مولویّه بر وجهی بدیع ایراد کرده ایم و در این مقام، صاحب«مستقصی» در منقبت حضـرت امیرالمؤمنین قصـیده عربی از قصایـد اخطب الخطباء ابوالمؤید موفق احمد المکی آورده است و التزام ترجمه او خالی از تکلّف نیست و اتبـاع اسـلوب عربی در فارسـی بی شـائبه تعسّف، نی، و منقبت حضـرت امیرالمؤمنین و محمِـدَت آن جنـاب خطیر بـه هر کسـوتی طراوتی دیگر و به هر زبـانی حلاـوتی دیگر دارد و دعـاگویی و ثنـاجویی آن حضـرت بر فصـحای قرون ماضـیه و بر بلغـای اقوام سـالفه منحصـر نیست. آن مفخر اخیار و ساقی ابرار را در گوشه هر میکـده ای مستی است و در بُن هر خُم، می پرستی. بیت: جـام ده ساقی و بین از خم مگر گر بنگری در بُن هر خُم به هر میخانه یابی تو خمی چه کم ارمی به دور چشم مسـتش،که در هر گوشه ای میخانه ای هست. اگر رنـدی مست شـد مستی دیگر هشـیار شد و اگر مستی در خواب رفت مستی دیگر بیدار کرد. بیت: مطرب چرا بیکار شد ساقی چرا هشـیار شد مستی اگر در خواب شد چشـمی دیگر بیدار شد سنّت الهی جـل جلالـه چنـان جـاری شـده که هرگز این دریا، بی گوهر و این باغ، بی ثمر نمانـد و اگر درّی ناچیز شود، درّی دیگر جای او بیاراید و اگر ثمری به آخر رسد، ثمری دیگر بیاراید. بیت: درین باغ هر دم بری می

رسـد یکی می برد دیگری می رسـد بخشـنده بنده نواز و بخشاینده بی نیاز از خزانه رحمت و میخانه حکمت، جامه پوشانیده و جامی نوشانیـده که هرگز دو جامه به هم باز نخواهـد و از دو جام یکی به یکی نماند، هر جامه را طرازی دیگر است و هر جام را اهزازی دیگر. هر گلی را طراوتی دیگر است و هر شِکری را حلاوتی دیگر، هر شاهدی را عشوه ای دیگر است و هر شرابی را نشوه ای دیگر. بیت: هر صـدفی را گهری داده انـد هر شـجری را ثمری داده اند نه قابل آن عربی مغز بود و نی ما پوست؛ نه ما همه هیچیم و هر چه هست همه اوست؛ نه ما مسـیم و او کیمیا و نه ما خاکیم و او توتیا. اگر عربی را فصاحتهاست امّا فارسی را نیز ملاحتهـاست، در دُرج مـا نیز گوهرهـاست و در برج مـا نیز اخترهاست. ما را نیز از خوان محبّت شاه بخشـی است و لایق میـدان منقبت او رخشـی، لاـجرم قصـیده ای از منـاقب آن جناب خطیر هم از نتایـج طبع این فقیر ایراد کرده شـد و قصـیده این است. بیت: ای دور مانده از حرم کبریا سوی وطن رجوع کن از خطّه خطا در خارزار انس چرا می بری به سر چون در ریاض، انس بسـی کرده ای چرا؟ بگـذر زدلق کهنه فانی که پیش ازین بر قامت تو دوخته اند از بقا قبا از کوچه حدوث، قَدم گر برون نهی گوید ز پیشگاه قِدم حق که: مرحبا! بزدای رنگ غیر به غیرت ز روی دل کایینه دل است نظرگاه پادشا آیینه را

ز آه بود تیرگی ولیکٔ از آه صبح آیینه دل برد صفا کبر و ریا گذار و قدم در طریق نه تا راه باشدت به سر کوی کبریا بیگانه شو زخویش و .... تا جان شود به حضرت جانانت آشنا تا کی ضلال تفرقه، جویای جمع شو کز نور جمع، ظلمت فرقت شود هبا در راه دوست هستی موسوم تو بلاـست هان نفی کن بلای وجود خودت بلا تا تو به حرف«لا» نکنی نفی هر دو کون تو از کجا و منزل«إلا الله» از کجا؟ مقصود هفت چرخی و سلطان هشت خلد ای پنج نو به کوفته در دار ملکٔ«لا» از پنج حس و شش جهت آن دم که بگذری «لا» در جهاز بالش وحدت کشد تورا عشق است پیشوای تو در راه بیخودی بس واگریز از خودی و جوی پیشوا در جان چو سوز عشق نباشد کجا بود مشکات دل ز شعله مصباح دین ضیا آن شهسوار بر سر میدان عاشقی جولاـن کند که از همه عالم شود جدا مهمیز شوق چون برنا بر براق عشق از سدره نطع سازد و از عرش متّکا از کام خویش بگذر و راه رضا سپر زیرا که از رضا همه حاجت شود روا چون تو مرا و خویش به دلبر گذاشتی هر دم هزار گونه مرادت دهد عطا سیراب شد چنانکٔ دیگر تشنگی ندید هر کس راه یافت به سر چشمه رضا گر آرزوی شاهی ملکٔ رضا کنی پیوسته باش بنده درگاه مرتضی سردار دین احمد و سردار اهل فضل سالار اهل ملّت و سلطان اصفیا آن ماهی ضلالت و حامی دین حق آن والی ولایت جان،

شاه اولیا داماد مصطفای معلاّ ـ علی که هست خاک درش ز روی شرف، کعبه علا ـ روح الامین امانت او کرده اقتباس روح القدس گرفته ازو زینت و بها آدم خلافت است و براهیم خُلّت است چون نوح متقی است هم از قول مصطفی موسا است در ... و عیسا است در ورع جمشید در جلالت و احمد در اصطفا بگذار احولی و ببین کیست جز علی مجموعه جمیع کمالات انبیا گر زانک نصّ«نفسک نفسی» شنیده ای ذاتی که اصطفاست همان عین ارتضا بشناس سرّ آیت دعوت به ابتهال آنجا که گفت:«انفسنا» حضرت خدا تا همچو آفتاب شود بر تو منکشف کین مرتضاست نفس محمّـد در اجتبا او را ولایتی است به تخصیص از اله کان را بیان همی کند ایزد به«انّما» ای آستین دولت تو منشأ مراد وی آستان حرمت تو قبله دعا بر تارک جلال تو تاج«لعمرک» است بر قد کبریای تو دیباج«لافتا» گرچه یگانه ای و تو را نیست ثانی ثانیِ تست حضرت عزّت به«هل اتی» نی نی چه حاجت است به تخصیص، هرچه حق گفت از برای احمد مرسل گه ثنا ای جمله ثنا به حقیقت ثنای تست جان تو جان اوست، بدن گرچه شد دوتا ای اولیا زخرمن جود تو خوشه چین وی اصفیا زگنج عطای تو با نوا هم عقل را معلّم نطقت شده ادیب هم روح را مفرّح خلقت شده سبا با رای روشنت چه زند ماه آسمان در جنب آفتاب چه پرتو دهد سها یادی نکرد هیچ کس از خواجه خلیل چون فضل تو گشاد سر سفره سخا با این همه نعیم و چنین بخشش عظیم آخر روا

بود من بیچاره ناشتا عمری است تا حسین جگر خسته مانده است در دست نفس اهل گرفتار صد بلا در کرب و در بلا، صفت ابتلای من شاها همان حدیث حسین است و کربلا امروز دست گیر که از پا فتاده ام آخر نه دست من تو گرفتی به ابتدا روی نیاز بر در فضلت نهاده ام ای خاک آستان تو بهتر زکیمیا چون در برآستان توام بر امید باز باری بگو که: حلقه به گوش منی درآ کوه ارادتم متزلزل نمی شود لوبسّت الجبال و لودکّت السما ختم اللّه تعالی لنا بخیر و غفر لنا و وهب لنا شفاعه رسوله و اهل بیته صلّی اللّه علیه و علی آله اجمعین.

علمای اهل سنّت در شرح و تبین«حدیث طیر» رساله های متعدّدی نگاشته اند، از آن جمله: محمّد بن جریر طبری(متوفی ۳۱۰)؛ ابوبکر بن مردویه احمدبن موسی اصفهانی(متوفی ۴۱۰)؛ حافظ ابی نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی(موفی ۴۳۰)؛ ابو طاهر محمد بن احمدبن علی بن حمدان خراسانی حافظ از اعلام قرن پنجم هجری و شمس الدین ذهبی ابوعبدالله محمد بن احمدبن عثمان دمشقی شافعی(متوفی۷۴۸). نک: تراثنا، شماره۴، ربیع۱۴۰۶، مقاله«اهل البیت علیهم السلام فی المکتبه العربیه» از مرحوم آیهالله سید عبدالعزیز طباطبایی، صص۶۸۷۰.مرحوم آقای طباطبایی در مورد رساله ابن مردویه درباره حدیث طیر آورده اند: این رساله را ابن کثیر در«البدایه و النهایه»(ج۷، ص۳۵۳) یاد کرده است. و از ابن مردویه رساله ای می شناسیم به نام«ما نزل فی علی علیه السلام ».

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

